

حقوق زنان جهانشمول است



ایرج فرزاد

به استقبال ۸
مارس میرویم

۸ مارس سال ۵۸ اولین اعتراض وسیع جنبش برابری طلبی زنان، در برابر عروج و قد علم کردن ارتجاع اسلامی بود. اعتراض و خشم زنان بویژه در تهران و سندج، بیانگر دفاع جامعه از ارزشهایی بود که برای آنها و برای کسب و تثبیت رسمی در جامعه به مبارزات وسیع در مقابل رژیم شاه برخاسته بود.

قمه بدستانی از نوع هادی غفاری و دوائر شکنجه و سنگسار و قصاص را در برمیگرفت به مصاف نیروی عظیمی که ریشه های عمیقی در جامعه ایران دوانده بود گسیل داشت. تمامی مزدوران اسلامی که هر کدام شخصا نیز در برپائی آشویتسهایی اسلامی مستقیما دخالت داشته و مقام و مسئولیت نظامی، امنیتی "ارشادی" رسمی داشته اند و بعدها دست و روی خونین خود را در پرده دگراندیشی اسلامی پنهان کردند در تعرض اسلام سیاسی و در تهاجم ارتجاع اسلامی به شان و حرمت زن و حق جهانشمول او سهیم و دخیل اند. در ایجاد فضای تحقیر و درجه دوم و سوم نشان دادن "زن"، در تحکیم تعریف اسلام سیاسی و عظمت طلبی ناسیونالیسم و شوینیسم و

طرح رفرااندوم و موضع ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه!



حسین مرادیگی

این توهم از تغییر جمهوری اسلامی را در اذهان مردم جا بیاندازند که گویا ←

پرچم "رفراندوم برای تغییر قانون اساسی" لته زمانی دست دوم خرداد بود، اکنون توسط بخش بزرگی از اپوزیسیون راست، عمدتا دوم خردادیهای خارج رژیم، رضا پهلوی و جمهوریخواهان اکنون و فردا

مشروطه طلب، بلند شده است. این طرح، همان طرح دوم خرداد نیست، طرحی برای ابقا رژیم اسلامی نیست، طرحی است برای تغییر جمهوری اسلامی اما به شیوه اپوزیسیون راست. طرفداران این طرح میخواهند

تقدیر و تشکر از ایرج فرزاد

کردستان و علیه گرایشات عقب مانده و خرافی و ناسیونالیستی سهم بسیار مهمی را ادا کرده است. در این دوره با تقاضای خودش و بدلیل درگیر بودن ←

همچنین بخشهای از فعالیت حزب در کردستان را نیز بر دوش داشته است. ایرج علاوه بر کار سردبیری، با ادبیات تیز و با قلم نقادش بطور مستمر با مسایل اساسی جامعه

ایرج فرزاد مدتها سردبیری نشریات کمیته کردستان حزب، سابقا تحت نام ایسکرا و اکنون اکتبر را عهده دار بوده است. او نه تنها محور اصلی این کار که زحمت انتشار هر هفته ای آن و



عبدالله شریفی

عبدالله شریفی: با تشکر از شما، باید مقدمات دید ما راجع به چه نشریه ای صحبت میکنیم؟ جایگاه این نشریه چیست؟ مخاطبین آن کدامند؟ و غیره، برای بدست دادن تصویر درستی از نشریه اکتبر جواب این گونه سوالات ضروری میگردد. اکتبر نشریه عادی حاشیه ای نیست که بود و نبودش، ضعف و قدرتش، تاثیر عجیبی بر جای نگذارد، اکتبر در صفحه ۳

اسماعیل ویسی:
سر دبیری نشریه اکتبر را به شما تبریک میگویم و برایت آرزوی موفقیت دارم. ضمنا اگر ممکن است راجع به برنامه خودتان برای پیشبرد نشریه اکتبر و بخصوص تم های اصلی آن توضیح بدهید؟ ←

در صفحات دیگر:

* نگاهی دیگر به بهمن ۵۷

* دادگاهی محمود صالحی

کناره گیری خسرو داور از
مسولیت سایت منصور حکمت

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

به استقبال ۸ مارس ...

مردسالاری عظمت طلب ایرانی علیه زن، بعنوان موجود فرودست و ضعیف و ناتوان و همواره در حاشیه جامعه و برده و مطیع ساکت و "نجیب" مرد، بعنوان "مادر پاکدامن بچه ها" و برده خانگی، بعنوان "ناموس" مرد و فرهنگ مردسالار

بیشتر در فعالیتهای سراسری حزب خواست که سردبیری نشریه اکتبر به رفیق دیگری سپرده شود. با این

→ طرح رفرا ندوم ...

با وجود خامنه ای و سپاه پاسداران و دیگر نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و حزب الله و غیره و غیره میتوان از جمهوری اسلامی رضایت گرفت که در یک روز آفتابی جمهوری اسلامی به رفتن خودش از طریق رای مردم رضایت دهد!

این توهم است، میدانند توهم است اما آن را رواج میدهند برای اینکه با آن میخواهند مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی را از اعمال اراده مستقیم خود برای بزرگ کشیدن و درهم کوبیدن جمهوری اسلامی، دور نگهدارند. این شیوه از تغییر جمهوری اسلامی از نظر اینها یعنی اینکه کل سیستم فعلی با ارگانهای سرکوب و بوروکراسی آن منتهای خامنه ای و جناح راست دست نخورده باقی بماند، سناریویی که گویا با حمایت دولت آمریکا و دول اروپائی امکان پذیر خواهد بود. اپوزیسیون راست در خلاء بوجود آمده از بعد از شکست دوم خرداد بر روی این توهم و سناریویی که در بهترین حالت به عراقیزه کردن ایران می انجامد سرمایه گذاری کرده است و با آن میخواهد برای خود نیرو بسیج کند. به این معنی این پروژه هنوز در ابتدای راهش است و به معنی دیگر این طرح در دیدگاه اپوزیسیون راست مکان استراتژیکی دارد. اینطور نیست که گویا طرحی را آوردند، بحثهای مخالف و موافقی شد، ول کردند و رفتند. این عرصه همچنان بعنوان یکی از عرصه های مهم تقابل ما، حزب حکمتیست، بر سر تعیین تکلیف جنبش سرنگونی طلبی، باقی خواهد ماند و باید در این حد به آن نگاه

مستول اند.

جنبش برابری طلبی زنان را نتوانستند در ترورهای وسیع و در نسل کشیها و درها کردن افسار گله های چاقو و قمه بدست اسلامی منکوب و با این هجوم افسار گسیخته در عرصه فرهنگ و ایدئولوژی رسمی ملی اسلامی حکومتی و غیر حکومتی و ادار به

تمکین کنند.

هشت مارس امسال بر بستر موج عظیم جنبش رهائی بخش زنان و کمر راست کردن حرکت برابری طلبانه زنان از زیر اختناق و ترور و خفان اسلامی و قد برافراشته از زیر تهاجم و بمباران فرهنگ و مدافعین سنتهای عتیق و باستان میتواند آغازگر جنبشی برای آزادی و برابری جامعه ایران باشد.

نشریات کمیته کردستان و دیگر فعالیتهای حزب در کردستان، برای او در پیشبرد فعالیتهای کمونیستی نیز

احزاب و شخصیتهای مربوطه از هول اینکه در سالن انتظار "مذاکره" با جمهوری اسلامی نوبت گیرشان نیفتد، همراه صف دوم خردایهائی داخل و خارج، آنچنان تعریف و تمجیدی از خاتمی و دوم خرداد راه انداختند که خود دوم خرداد هم در مورد خودش باورش نمیشد. بازار نمایش "گفتمان" ها گرم شد، سر گله های اینها با حکومت جنایت و کشتار باز شد، جمهوری اسلامی از طرف اینها نیز جناح "تمامیت خواه" لقب گرفت، حزب دمکرات به ماموران اطلاعاتی جمهوری اسلامی در کردستان ایران چراغ سبز داد. پروژه کنار آمدن با و دفاع از جمهوری اسلامی را "آشنی از راه فرهنگی" نامیدند. یکی از سخنگویان آکادمیک تازه بدوران رسیده اینها تا آنجا پیش رفت که گفت، هرکس دنبال سید محمد خاتمی نرود به مردم کردستان خیانت میکند! عبدالله حسن زاده دبیرکل سابق حزب دمکرات به سر خاتمی قسم میخورد و میگفت، حالا که آقای خاتمی میگوید مردم خشونت نکنند، او هم اضافه میکنند مردم خشونت نکنند! اینک همان پرچم این بار توسط بخش بزرگی از اپوزیسیون راست با هدف دیگری بلند شده است، حضرات دور و نزدیک آن را می پابند، سمپاتی خود را با آن نشان میدهند، بویژه این طرح که بر مبنای توهم به دخالت دولت آمریکا و دول اروپائی استوار است، برای اینها که خود را بخشی از این سناریو میدانند شدت وسوسه کننده است. مصطفی هجری دبیرکل فعلی حزب دمکرات تلویحا از جورج بوش خواست که ایران را عراقیزه کند و سپاهجاک کنونی را که مردم عراق در آن گرفتارند برای مردم ایران آرزو کرد. مشکل

حضرات با این طرح این نیست که

مراسم باشکوه هشت مارس در سنج و تهران در سال گذشته قله کوه عظیمی بود که عرض اندام قدرت یک حرکت عمیق اجتماعی را بشارت داد.

مبارزه مردم ایران برای بزرگ کشیدن رژیم اسلامی میتواند، هم زمان شاهد به اهتزاز درآوردن پرچم رهائی زن و تثبیت برگشت ناپذیر حقوق

صمیمانه آروزی موفقیت میکنم.

توهم زاست. مگر اینها کارشان ایجاد توهم در میان مردم به این یا آن هدف مقطعی و محلی خودشان نبوده است؟ مگر پدیده دوم خرداد از اساس بر ایجاد توهم در میان مردم به اینکه جمهوری اسلامی از درون قابل "اصلاح" بود بنا نشده بود، و مگر اینها و صف طرفداران دوم خرداد و بخشی از سلطنت طلبان و داریوش همایون و رضا پهلوی نیز بدنبال آن رفتند تا با همدیگر دست در دست دوم خرداد و خاتمی سر مردم کلاه بگذارند. مشکل اینها با این طرح به خانه فرستادن مردم سرنگونی طلب هم نیست، اینها ربطی به این جنبش ندارند، مشکل اینها با این طرح، عراقیزه کردن ایران هم نیست، حزب دمکرات با طرح فدرالیسم، هم اکنون خود را به بخشی از این سناریو تبدیل کرده است، حزب دمکرات در آروزی کسب موقعیت همپالگی هایش در کردستان عراق بهرچیزی جنگ میاندازد و سر بر آستان هر مرتجعی میساید. مشکل اینها با این طرح اکنون این است که "کثیرالملله" بودن ایران و یا به نوعی حق "اقوام" و "خلفهای" دیگر را بیان نکرده است. اگر از این طرح با این مساله بزرگ اینها به نوعی رفع ابهام شود این بار شدید تر از دوره دوم خرداد به آن خود را آویزان میکنند. مساله ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه، حزب دمکرات در کردستان ایران، شریک شدن در قدرت محلی است بهر قیمت، با بودن جمهوری اسلامی و یا هر دولت بورژوازی مرتجع دیگری در مرکز. اگر به نوعی از طریق بردن نام "حق قومی"، با گنجاندن "گفتمان قومی" و غیره دریچه ای باز شود که با آن سر این یا آن پست ژاندارمری و ریاست بخشداری فلان شهر از بالای سر مردم کردستان بند و بست خود را

مدنی زنان و جنبش برابری طلبی و اعلام پیروزی مانیفست حق جهانشمول زنان باشد.

زنده باد هشت مارس!

زنده باد جنبش دفاع از حقوق جهانشمول زنان!

حسین مردابیگی دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۱ فوریه ۲۰۰۵

انجام دهند، اینها آن را بعنوان "لبیک" دیگری به هر مرتجع دیگری جار میزنند و برای قالب کردن آن بعنوان "موهبت" دیگری به مردم کردستان ده چندان تلاش میکنند و آن را مانند دیگر خورشقعی های خود در بوق و کرنا میکنند. مساله اینها بود و نبود آزادیهای سیاسی نیست، هر جا دست بالا پیدا کرده اند، آن را مانع شده اند، با برابری اجتماعی و اقتصادی مردم که سرسختانه مخالفند، در خصوص حل مساله ملی نیز آنچه که مساله آنها نبوده و نیست، حل واقعی این مساله و آینده سیاسی مردم کردستان است. قطب نمای حرکت این جنبش و احزاب آن تامین منافع حزبی و رهبران آن است، به "حق قومی" و "گفتمان قومی" نیز از این سر نگاه میکنند، به راه انداختن پاکسازی قومی با طرح فدرالیسم هم از این سر نگاه میکنند. در مورد طرح رفرا ندوم فعلا مشکلاشان رفع "ابهام" است، موضع فردای آنها به درجه دوری و نزدیکی شان از این و اساسا از سناریویی است که خود را بخشی از آن میدانند، در آن صورت این مانع را همانطور که با حزب پان ایرانیست، نماینده فاشیسم ناسیونالیسم ایرانی حل کردند، با طرفداران "رفرا ندوم" نیز حل خواهند کرد. هدف ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه، حزب دمکرات، رسیدن به نوایی است، این را گدایی میکنند، طرف هرچقدر مرتجع تر، ضد مردمی تر، از نظر اینها بهتر. جواب ما و مردم سرنگونی به اینها و صف راست جامعه بسیج برای سرنگونی جمهوری اسلامی و بزرگ کشیدن حکومت جنایت و کشتار جمهوری اسلامی است، تکلیف جمهوری اسلامی را مردم تعیین میکنند.

۱ فوریه ۲۰۰۵

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

کناره گیری

خسرو داور

پس از تعیین تکلیف یکجانبه انجمن مارکس لندن که از همه چیزش بخوبی خبر داشتیم، به آذر ماجدی که هم رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران است و هم رئیس بنیاد منصور حکمت، نامه‌ای نوشتیم و توضیح خواستیم. سرنوشت انجمن مارکس و توضیحاتی که در مورد آن خواندم و شنیدم، مرا مصمم کرد که علیرغم همه ارادتی که به منصور حکمت دارم، و شاید برعکس، بدلیسل ارادتی که به او و آموزشهایش دارم، از همکاری با بنیاد منصور حکمت

و سرپرستی این سایت کناره گیری کنم.

صاحب ثبت شده این نام (m-hekmat.com)

هم علی جوادی است. صاحب این سایت آذر ماجدی است و مسئول سرور و صاحب اختیار اسم رمز این سایت عباس گویا.

از همین لحظه این سایت را به همین شکل که میبینید به صاحبان آن تحویل میدهم.

لازم میدانم یکبار دیگر از تک تک کسانی که در طول این چند سال به من و به پیشبرد کار این سایت کمک کرده‌اند سپاسگزارم، مخصوص از آذر ماجدی که شروع این کار بزرگ را با اطمینان بمن سپرد.

اما دین من به ژوئین چه بعنوان برادر، چه به عنوان مربی و چه بعنوان کسی که درسهایی فراموش

نشدنی به جنبش کمونیستی ایران آموخت، بیشتر از آنست که از تلاش برای شناساندن خدمات او به طبقه کارگر کنار بکشم. این کار را تا زنده‌ام ادامه میدهم.

خسرو داور

مسئول سابق سایت منصور حکمت اول فوریه ۲۰۰۵

بعدالتحریر:

وقتی استعفا نامه‌ام را بار دیگر خواندم بنظر آمد که این علم عثمان میشود. در شرایطی هستیم که متأسفانه باید بدیهیات دیگری را هم تذکر بدهم:

من طرفدار دکتربین بوش نیستم که "هر کس با ما نیست برماست". من قبول ندارم که هر کس طرفدار خروج نیروهای اشغالگر آمریکا از عراق باشد، طرفدار زرقاوی است.

من طرفدار شارون، و مجازات کلکتیو او هم نیستم. بنظر من هیچکس حق ندارد با نشان دادن خانه تروریستها در کمپ پناهندگان فلسطینی، همه کمپ را با خاک یکسان کند.

استعفا من بمعنای صحنه گذاشتن بر نوشته‌هایی که علی و آذر و عباس را لجن مال میکنند نیست. همانطور که کسی حق نداشت همکاری‌ام را با آذر به حساب این بگذارد که من هم به سابوتور بودن اسعد معتقدم.

باور کنید سه چهار ماه است که چشم و گوشم را محکم گرفته و بسته‌ام تا در ذهنم گری به دامن پاک کسانی که من آنها را بهترین انقلابیون این نسل میدانم ننشیند. نمیخواهم از هیچکس چیزی بشنوم که مرا به کسانی که به دوستی شان همیشه افتخار کرده‌ام بدبین کند. سه چهار

ماه است که خودم را به کوری و کری زده‌ام چرا که میخواهم حتی اگر به قیمت خودفروبی باشد، بتوانم وقتی به عکسهای حمید و کورش، آذر و علی، اصغر و ایرج و فاتح و فریده و صدها نفر دیگری که دیگر نصفشان نیستند نگاه میکنم باز با خودم بگویم که حاضرم برای تک تکتان جان بدهم که چند سال بیشتر بمانید و برای آرمانهایی که داشتیم بجهنگید... دیگر چه بگویم؟ ...

به هر حال با هر مشقتی که بود ایده استعفا در اعتراض به شروع دور دوم فعالیت انجمن مارکس لندن تحت مدیریت جدید از لوس آنجلس را به جایی رساندم. با ایده خودسوزی در اعتراض به انتحار دسته جمعی یاران غار منصور حکمت چه کنم؟

مصاحبه اسماعیل ویسی با عبدالله شریفی

ادامه از صفحه اول

نشریه هفتگی تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، تشکیلاتی قوی و با نفوذ در جامعه کردستان، است. جامعه ای که در آن کمونیسم دارای نفوذ اجتماعی است. جامعه ای که در آن کمونیسم منصور حکمت از محبوبیت بالایی برخوردار است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، یکی از کمیته های قوی و صاحب اتوریته این حزب میباشد. تشکیلات این حزب در کردستان ایران، جمع شخصیتهای محبوب و شناخته شده آن جامعه هستند. تجسم انسانی تاریخ سه دهه اخیر کمونیسم و رادیکالیسم این جامعه هستند. نشریه چنین تشکیلاتی طبعاً و بدون هیچ اظهار نظر قبلی با توقع سطح بالایی مواجه میشود. این نشریه تربیون انسانها و رهبران با نفوذ کلام، نمایندگان پراتیک روشن و افق روشن سوسیالیستی است و تاکنون نیز این نقش را ایفا کرده است. باید با همین وزن به اکتبر نگریست. البته این نشریه و هر نشریه هفتگی از جانب کمیته کردستان حزب، نمیتواند همه آن توقع و انتظار را جواب دهد. جامعه ای که حول

کنکرت تری که در سمنار شورای کادرها خطوط اساسی آن تعیین میشود پیش برده میشود و از جانب دبیر کمیته کردستان هدایت میشود. آنچه که من باید بطور جدی پیگیری کنم و نشریه آن را منعکس کند، جواب به لحظات عینی تر و عملی تر این افق است. در بالا به ویژگی موقعیت کمونیسم منصور حکمت در جامعه کردستان اشاره کردم، این نشریه باید بتواند مثل سابق جامعه را حول مسائل گرهی قطبی کند. حزب ما اکنون بعنوان حزب قدرت سیاسی و تغییر شناخته میشود، ما باید برای تبدیل شدن به حزب قدرت، چه قدرت دولتی و چه قدرت اجتماعی، حزبی که قادر به جایجایی نیروی اجتماعی برای دست بردن به کاری است، تبدیل شود، این نشریه در کنار دهها فونکسیون دیگر باید ابزاری جهت ساختن شبکه های قدرت در جامعه باشد. این نشریه در عین حال که زبان و خط نه به جمهوری اسلامی و برچیدن نظام اسلامی است افق خود را در سطح سرنگونی طلبی محدود نمیکند و افقی روشن سوسیالیستی و کمونیستی، افقی انسانی، را برای انتخاب در مقابل جامعه قرار میدهد. وقتی میگویم جامعه را باید قطبی کند بر سر مسائل جاری و جدی زندگی روزمره باید این کار را بکند، سرنگونی جمهوری اسلامی نیز یکی و مهمترین آن میباشد. این نشریه باید نمایندگی و تربیون توقع

بالا و رهبران عملی رهبران کمونیست آن جامعه باشد. اکنون در کردستان مسائلی مانند مسله زنان، جنبش کارگری، جوانان، کودکان و غیره در جریان است، دخالت نشریه ما در افق دادن و سمت و سو بخشیدن به این جنبشهای جاری ضروری است. این جنبشها مانند هر جنبشی دیگر میتواند تحت تاثیر گرایشات مختلف و طبقات متفاوت قرار گیرد، افق روشن در مقابل این گونه حرکات اجتماعی میتواند جامعه را حول مسائل واقعی زندگی و آینده قطبی کند. ما تلاش میکنیم این نشریه ابزار چنین کاری باشد.

حضور ناسیونالیسم کرد در جامعه کردستان امری جدی و واقعی است، در افتادن با این جنبش چه در سطح سیاست و چه در سطح فرهنگ و روش زندگی کار این نشریه میباشد. ایران و به طبع آن کردستان بعداز جمهوری اسلامی بخش وسیع فعالیت جنبشهای طبقات دیگر است، امروز مسله رفراوندوم، مسله فدرالیسم، عراقیزه کردن ایران، جواب سیاسی ناسیونالیستها برای آینده تاری است که در مقابل مردم ترسیم میکنند، ما در این نشریه به تقابل جدی در این عرصه میپردازیم و افق متفاوتی را در مقابل جامعه قرار میدهم. انعکاس اخبار مبارزات مردم علیه رژیم اسلامی، منعکس کردن فعالیت کمیته شهرهای حزب در کردستان،

سطوحی دیگر از فعالیت این نشریه خواهد بود. ما باید سعی کنیم که کار متمرکز در جهتی را تا پایان معین بپیش بریم، بدین معنی پرداختن به مسائل گوناگون و بدون هدف مشخص توانمندی نشریه اکتبر را کم خواهد کرد.

این همه کار را باید با مدد و دخالت جمع وسیعی از خوانندگان، رهبران عملی، رهبران سیاسی این جامعه متحقق کرد. انتظار من این است که نویسندگان اکتبر، انسانهای متنوع باشند، تماس با اکتبر یکی از اهدافی است که باید وسعت یابد. اگر ما بخواهیم مسله ای را نیمه کاره ول نکنیم و برای هر جلد و خط به دستاوردهای عملی و سیاسی معینی دست یابیم، باید سطح وسیعتری را در این فعالیت دخیل کرد.

اما صرفاً نوشتن مطالب خوب کافی نیست، انتظاری که من از جوانان آزادیخواه و زنان و مردانی که خود را در این اهداف سهیم میدانند این است که اکتبر را گسترده به دست مردم برسانند. باید اکتبر را به نشریه شناخته شده و بلندگوی قطب کمونیست و رادیکال جامعه در مقیاس وسیع تبدیل کرد. خاصیت خوب نوشتن در این است که خوانندگان خوب و میلیونی پیدا کنند. ■

نگاهی دیگر به بهمن ۵۷ ایرج فرزاد

بدون تئوری انقلابی، انقلاب ممکن نیست. و ظاهراً در بهمن سال ۵۷ اتفاقی افتاد که انقلاب نامیده شد.

پس از ۲۶ سال از گذشت آن روزها، جا دارد که بارها و بارها به آن تحولات بازگشت شود، بازبینی شود و علل سرانجام مخوف و وحشتناکی که بعنوان نتیجه و حاصل انقلاب به افکار عمومی خوراندند بررسی شود.

انقلاب بلشویکی اکتبر هم سرانجام به شکست انجامید، اما تفاوت بنیادی در این است که انقلاب اکتبر را تئوری انقلابی لنین به پیروزی رساند و بورژوازی بزرگ روس و آرمانها و گرایش این طبقه بود که بنام سوسیالیسم، آرزوی ایجاد یک کشور بزرگ و صنعتی و پیشرفته را دست یافتنی ساخت. شکست انقلاب اکتبر نه شکست تئوری انقلابی لنین و مارکسیسم که تحت پرچم آن طبقه کارگر و کمونیسم را به پیروزی رساند که شکست کمونیسم و طبقه کارگر پس از پیروزی در برابر آرمان دیرین بورژوازی بزرگ روس بود.

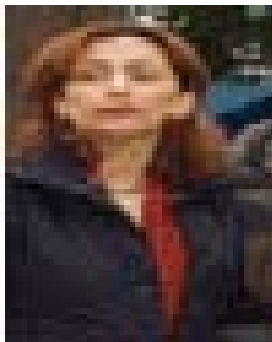
"انقلاب" ۵۷ برعکس از همان ابتدا و پس از اوجگیری مبارزات توده های مردم علیه رژیم شاه، تحت پرچم و تئوری ارتجاع اسلام سیاسی به "پیروزی" رسیده بود و وحشت کابوس شکست از پیشی انقلاب ۵۷ را بر جامعه گسترده بود. بررسی دلائل عروج اسلام سیاسی و پرتاب کردنش به عنوان "رهبر انقلاب اسلامی" قبلاً انجام شده است و رساله منصور حکمت: "تاریخ

انقلاب ۵۷ منتهی شد نگاهی بیاندازیم جز در فاصله کوتاه سقوط رژیم رضا شاه و تبعید او به جزیره موریس تا تحکیم قدرت رژیم محمد رضا شاه، فضا را بر عرصه دستاوردهای فکری بشر در محیط فکری سیاسی و الیت روشنفکری جامعه ایران تنگ و خفه کننده می یابیم. کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ قبل از اینکه هدفش آرمانهای اقتصادی "دکتر مصدق" و توهمات "حاکمیت ملی" باشد، جنبه سیاسی بسیار مهمتری دارد. سازماندهی ساواک برای ریشه کن کردن هر نوع فکر و گرایش "اشتراکی" و "کمونیستی"، اعدامهای دوران پس از این کودتا و جمع آوری و ممنوع اعلام کردن هر تک جزوه و نوشته ای که بوئی از سوسیالیسم دارد، فلسفه اصلی سازماندهی این کودتا برای هموار کردن راه نفوذ امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری آمریکا در متن زوال استعمار انگلیس بود. مهیا کردن شرایط برای کار ارزان کارگر خاموش بدون یک حمله خونین به بستر فکری و گرایش چپ و افکار سوسیالیستی، با هر تعبیری حتی با تعبیر ملی میهنی حزب توده از مارکسیسم، و ایجاد یک فضای خفقان فکری میسر نبود. اما در کنار این تعرض بیرحمانه به عرصه تکامل فکری جامعه، میدان برای رشد و گسترش تئوریهای دیگر، تئوریهای ارتجاعی و در راس آنها اسلامی برای دامن زدن به توهمات کهنه و زنگ زده و اسلام زده و ضد مدرنیسم و ضد غربی توسط همان سیستم دیکتاتوری نظامی امنیتی ساواک فراهم شد. آل احمد علیرغم اینکه در مراحل اول

ابتدا بعنوان یک توده ای و سپس مجاهد نیروی سوم مورد تعقیب مودبانه ای هم قرار میگیرد، دست و قلمش باز است که غرب زدگی را بنویسد، که علیه حتی آرمانهای صدر مشروطه و تجدد خواهی و علیه پیوندهای الیت فکری جامعه با دستاوردهای فکری اروپای غربی، قلم فرسایی کند، با تحقیر روی آوری به ادبیات و منابع غربی را فنارسه زدگی و انگریزی زدگی بنامد. طی تمامی سالهای دیکتاتوری ساواک و حکومت شکنجه و ارباب رژیم شاه، رساله های طالقانی و مطهری و شریعتی حتی توسط کمک مستقیم ساواک، به منظور "آلوده نشدن" ذهن جوانان شاه پرست و میهن پرست و مشتاقان خاندان عصمت و طهارت، به افکار شرک آلود و عقاید مخالف شیعه اثنی عشر چاپ و بازتکثیر میشوند، حتی در دوران زندانها "رساله" مطهری که پایه های "مادی گری" را میشکافد و به یاری دستگاه تفتیش عقاید ساواک می آید، منبعی کمکی برای عبرت نامه نویسی و بازگشت به اصل اسلامی ملی است. در چنین اوضاعی، در بستر خونین یورش به عرصه فکر و تفکر، جامعه ایران برای مدتی نزدیک به ۴۰ سال از حاصل دستاوردهای عظیم فکری بشر، حتی از افکار آنتیستی و مدرن گرائی غربی محروم است. چپ جامعه در این فضای خفقان آور. در فقدان کوچکترین منبع تغذیه فکری، به معدود جزوات دست چندم و ترجمه بخش بسیار کمی از ادبیات شبه "مارکسیستی" انتشارات پروگرس شوروی که خود بازتاب شکست انقلاب اکتبر و

نمونه شاخص کمونیسم "ملی" و اشاعه دهند "راه رشد" غیرسرمایه داری" و ممکن بودن نوعی سوسیالیسم با آرمانهای ملی است، آویزان میشود، دست نویسی و بازتکثیر آنها خود موضوع فعالیت و فلسفه ایجاد سازمانهای "چپ" و کمونیست است. در این فضای اختناق ساواک است که فقر فکری فضای روشنفکری جامعه، "درباره عمل" و "درباره تضاد" مآثر را بعنوان آثار فلسفی مارکسیستی هضم میکند. در این فضا است که "حل صحیح تضادهای درون خلق" مائو، بجای مانیفست و کاپیتال، نه منبعی برای نقد سرمایه داری و کارمزدی، که پلاتفرمی برای یافتن راه حلی برای ائتلاف و اتحاد عمل با بورژوازی ملی اسلامی، به منظور ایجاد نوعی حکومت خودی زیر پوشش سوسیالیسم تبدیل میشود. اینجاست که حسینیه ارشاد علی شریعتی و تفسیر قرآن طالقانی، در مقیاسی که اختناق ساواک علیه چپ فراهم کرده است، و تسهیلاتی که همزمان برای گرایش ضد کمونیستی اسلامی مهیا کرده است، از درون همان چپ، مستمع و مجاهد و فدائی را جذب میکنند و پایه های وحدت عمل و ائتلاف "ضد استبدادی" را بنا میکند. قلع و قمع چپ، از یک طرف و برخورد "محترمانه" رژیم ساواک با سران علمای اعلام و سیاست کج دار و مریز و تهدید نرم همراه با نصیحت و مشاوره با امثال آل احمد و شریعتی و طالقانی در فضای ضد دیکتاتوری و چپ ضد استبدادی چپ، احترام و همسوئی غیر رسمی ای را با آن عناصر که

انعکاس فعالیت‌های چند روز اخیر هوزان محمود



هوزان محمود یکی از رهبران جنبش برابری طلب زنان در عراق و یکی از فعالین سازمان آزادی زن میباشد

هوزان روز ۲۸ ژانویه در گفتگویی با رادیوی بی بی سی ۲ در برنامه معروف این رادیو بنام (جیرمی وان شو) گفتگویی در رابطه با اوضاع جاری عراق داشت.

همان روز رادیو بی بی سی جهانی در برنامه (اروپای امروز) ویژه برنامه زنان عراق گفتگویی مفصل با هوزان محمود داشت.

۲۹ ژانویه تلویزیون سی ان ان گفتگویی مستقیم با هوزان در رابطه با اوضاع عراق و مسله انتخابات داشت. هوزان در این گفتگو به نقش مخرب اسلام

سیاسی و جریان‌های عشیره‌ای و قومی و هم چنین نیروهای اشغالگر آمریکا مبسوط برای بینندگان این شبکه تلویزیونی صحبت کرد.

۲۸ ژانویه روزنامه ایندپندیت چاپ لندن مقاله هوزان را تحت عنوان (چرا در این مضحکه انتخابات شرکت نمیکنم) به چاپ رساند.

منصور حکمت میگوید کمونیسم در ایران برای تغییر مناسبات ا قتصادی جامعه، باید دولت و قدرت سیاسی را بعنوان مهمترین اهرم و ابزار تغییر جامعه تصرف کند. این تنها مرز واقعی بین تفسیرکنندگان و تغییر دهندگان جامعه است. کمونیسم منصور حکمت و حکمتیسم نه ادامه فتحعلی آخوندزاده، و تداوم خطی آرمانها و خرافه‌ها و توهومات دیرین بورژوازی ملی، که عرض اندام دیگر باره حزب و قدرت سیاسی لنین و منصور حکمت و امید به تداوم آرمانهای انقلاب کمونیستی اکتبر و تحقق بیانیه حقوق جهانشمول انسان است.

۲۱ ژانویه ۲۰۰۵

حاشیه‌ای جامعه ایران پرچم شکست خونین انقلاب ۵۷ را قبل از پیروزی برافراشته بود و به چپ وقت جامعه خاک مردگان پاشیده بود، تئوری منصور حکمت و پرچم حزب حکمتیستها در مصاف مردم ایران با جمهوری اسلامی، به هر نوع توهم به دنباله روی کورکورانه از انقلاب و شیفتگی ساده اندیشانه و صوفیانه به سیر خودبخودی وقایع نقطه پایانی گذاشته است. ای اچ کار در کتاب تاریخ انقلاب اکتبر تئوری انقلاب اکتبر را نه از صفوف جنبشهای خیابانی که از لابلای کتاب دولت و انقلاب و تئوری دولت مارکس استخراج میکند که آن انقلاب هدف و آرمانش را برجیدن طبقات و امحا و الغا و زوال دولت تعیین کرده است.

تمرکز بر آن تئوری انقلابی که در جنبش و گرایش کمونیسم کارگری دارای ریشه در تاریخ ایران تجسم یافته است، بار دیگر خطر هر چند کوچک و ابدائی، توهم پراکنی به انقلاب سواری زیر پرچم تئوریهای راست موجود را دامن میزند. اما منصور حکمت و تاریخ شکست نخوردگان او، تئوری ممکن بودن پیروزی کمونیسم در ایران، با کاپیتال او از لندن و با درسهایش در انجمن مارکس و با آشارش و در حزب حکمتیستها این بار اجازه نمیدهد که سوسیالیسم حاشیه‌ای باشد در پیاده رو عناصر منزوی دیگری چون هخا و معماران رفتارندوم قانون اساسی جمهوری اسلامی. اگر تئوری ضدانقلابی اسلام سیاسی در هیات یک گرایش منزوی و

نیست که با عروج جوانه های کمونیسم کارگری منصور حکمت لایه انسانی ماهیتا کمونیست و بازمانده و جان بدر برده از سلاخی اسلام سیاسی، خود را باز میشناسد و از زیر آوار شبه کمونیسم ملی مذهبی، پرچم نقد مارکس و اعتراض سوسیالیستی طبقه کارگر به بنیاد استثمار کار مزدی را بلند میکنند. دوران دیگری از تلاطمات اجتماعی با بحران لاینحلی که رژیم اسلامی از نظر سیاسی و اقتصادی با آن روبروست در جامعه ایران باز شده است. باردیگر بحث تئوری انقلابی برای تضمین به پیروزی رسیدن مبارزاتی که مردم ایران علیه رژیم اسلامی به پیش میبرند، باز شده است. انقلاب و شیفتگی به انقلاب، بدون

هر از گاهی تبعید میشدند، به زندان میافتادند و در لیست "مخالفین سلطنت خارجی پرست" قرار داشتند، ایجاد کرد. کار ساختن و سوار کردن تئوری ضد انقلابی و ضد کمونیستی اسلام سیاسی بر انقلاب ۵۷ در همانجائی که میبایست با یک تقابل طبقاتی و فکری و گرایشی و ایدئولوژیک روبرو شود، هموار شد. زیاد غیر طبیعی نبود که اکثریت صفوف فدائی با به قدرت رسیدن رژیم "ضد امپریالیستی"، تئوری حزب توده جبهه واحد اتحاد با "امام را هضم کرد و اصلا تصادفی نیست زان پس ما تاریخ آنها را بخشی از رژیم اسلامی و تتمه و جزئی لاینجزا از طیف ملی مذهبی می یابیم. و تعجب آور

امروز محمود صالحی دادگاهی شد!

اطلاعیه شماره ۲۷ کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست

جریان‌های چپ اتهامی است که جمهوری اسلامی به پرونده دستگیرشدگان اول مه سقز متصل کرده تا زیر این نام بتواند بی دردسترتر آنها را محاکمه کند.

طبق خبری که بدست ما رسیده، مسئولین رژیم علی‌رغم قول و قرارهای قبلی، هنوز جز محمود صالحی اموال غصب شده بقیه کارگران چون برهان دیوارگر و محمد عبدی پور را

گرفته‌اند، پشت درهای بسته پیش برده شد.

اتهاماتی که در این جلسه از طرف مسئول پرونده محمود صالحی اعلام شد، جدا از تجمع غیر قانونی که همان شرکت در مراسم اول مه است، ارتباط با جریان‌های چپ نیز اعلام شده است. ارتباط با

گرفته‌اند، پشت درهای بسته پیش برده شد.

اتهاماتی که در این جلسه از طرف مسئول پرونده محمود صالحی اعلام شد، جدا از تجمع غیر قانونی که همان شرکت در مراسم اول مه است، ارتباط با جریان‌های چپ نیز اعلام شده است. ارتباط با

صبح امروز سه شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۸۳ برابر با اول فوریه ۲۰۰۵، محمود صالحی از فعالین کارگری و

دستگیرشدگان اول مه سقز دادگاهی شد. دادگاهی محمود صالحی نیز به روالی که اخیرا مسئولین رژیم در سقز پیش

۱۳ بهمن ۱۳۸۳
۱ فوریه ۲۰۰۵

سومین کنفرانس اول کودکان ۱۱ و ۱۲ فوریه ۲۰۰۵ استکهلم سوئد

لیست سخنرانان

زبان کنفرانس: انگلیسی، سوئدی، عربی، فارسی، کردی

سخنرانان مهمان

فرانسه

سپام هاجی، از سازمان برابری طلب و سکولار فرانسوی، عضو سازمان "آه فاحشه، نه توری خور"، عنوان سخنرانی: "آه فاحشه، نه توری خور" آمریکا

مونا خوشا، فعال برنامه انگویی سازمان ملل (MUN)، عنوان سخنرانی: "حقوق و گزارشات چه میگویند؟"

انگلیستان

سونیا آگریکس، معاون اول سازمان اتحادیه بین المللی اسائست و اخلاق (IHEU) و بازرس دبیرستان، عنوان سخنرانی: "حقوق کودکان، آنها را جدی بگیرید، لوستان نکند"

آرمان فرامیش، فعال حقوق انسانی و رئیس کمیته حقوق مدنی (IranCRC)، عنوان سخنرانی: "بی حقوقی کودک، چگونه تغییر دهیم"

* **اعظم تم گویان**، نویسنده و فعال دفاع از حقوق زنان، رئیس کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه و سردبیر نشریه بیخایان. عنوان سخنرانی: "اینها جنجال برای یک تکه پارچه، در دفاع از ممنوعیت حجاب کودکان"

عراق

هوران محمود، نماینده سازمان آزادی زن عراق، در بریتانیا و سردبیر نشریه انگلیسی این سازمان، عنوان سخنرانی: "کودکان دختر در عراق تحت اشغال و تحت تهدید اسلام سیاسی"

شیرزاد فاتح، از بینندگان اران مرکز دفاع از حقوق کودکان عراق، نماینده این نهاد در خارج از عراق. از بینندگان اتحادیه معلمان در کردستان عراق، و سردبیر نشریه کردی مرکز دفاع از حقوق کودکان عراق. عنوان سخنرانی: "الخطای با کودکان خیابانی در بغداد"

جبار محمد حسن، از بینگذاران و مسئولین مرکز دفاع از حقوق کودکان عراق، و احد. ایتلیا. عنوان سخنرانی "کودکان و مذهب"،
— ادامه در صفحه بعد...



سومین کنفرانس اول کودکان

کودکان اول چرا و چگونه؟

کنفرانس در مورد

جهانشمول بودن حقوق کودک

۱۱ و ۱۲ فوریه ۲۰۰۵، استکهلم

www.childrenfirstinternational.org

Feb 11th, 10 to 17

Räda Barmen's Lokal i Stockholm, (the Location of Save the Children in Stockholm)

Address: Torsgatan 4, Down Town

Stockholm

Feb 12th 10 to 17

Kista – Träff (Kista Centrum)

رفتار هر جامعه با کودکان مهمترین محک درجه انسانی بودن و آزاد بودن آن جامعه است. کودکان مقدم اند، بر هر چیزی، بر هر ملاحظه و منفعت ملی، اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی و مذهبی (از سنه تاسیس اول کودکان)

"برنامه های کنفرانس در جزئیات بیشتر در اطلاعیه های بعدی به اطلاع خواهد رسید"

سخنران "اول کودکان"

ژیا نهایی، موسس و رئیس اول کودکان، سردبیر نشریه فارسی و انگلیسی آن. عنوان سخنرانی: "حقوق کودک، مشروط یا نامشروط؟ معرفی بنیادهای حقوق کودک"

سلیم قاسمی، شاعر، نویسنده، فعال حقوق کودک، رئیس اول کودکان در سوئد، سردبیر نشریه سوئدی و عضو دفتر مرکزی اول کودکان. عنوان سخنرانی: "حق و اللین بر کودکان، بی حقوقی شوردهان ارسال"

هاله طاهری، از فعالین حقوق زن و کودک در سوئد، عضو هیئت رئیسه اول کودکان در سوئد، دبیر کشوری دفاع از حقوق زنان در کردستان. عنوان سخنرانی: "کودکان و مدارس مذهبی"

ایلام قاسمی، از فعالین دفاع از حقوق زنان در سوئد، عضو هیئت تحریریه نشریه انی اجتماعی هانا، منکر اجتماعی دبیر اول کودکان در گوتنبرگ سوئد. عنوان سخنرانی: "آیا کودکان دارای ارزش برابری؟"

اسد پهلوان، از فعالین حقوق انسانی، مسئول پروژه برابری و راه چنگیزی از خشونت علیه زنان و کودکان، عضو دفتر مرکزی اول کودکان. عنوان سخنرانی: "گازان، خرابان و فستقوال آمدرفی"

پروانه احمدی، از اعضا و فعالین اول کودکان در سوئد. عنوان سخنرانی: "تور اخیر عبارات دفاع از حقوق کودک در ایران"

Children First,

International Campaign For Children's Rights

برای کتب اطلاعات بیشتر و ثبت نام، با آدرسهای زیر تماس بگیرید
لگستون: 44-0(798) 134 3101 Tel 46-0(798) 444 15 78 سوئد
barmenfirst@pcny.se Fax: 46-0-59073799



ایران

فانم فاضل، فعال حقوق کودک و منکر اجتماعی از ایران در زمینه کار با کودکان خیابانی و زنانی. عنوان سخنرانی: "کودکان در زندانهای ایران" ایتلیا

بیه فاروقی، آهوتوسی، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتلیا و از رهبران اتحادیه بهاری در نوساکالاس. عنوان سخنرانی: "کودکان پناهنده در ایتلیا"

سوئد

اینگر ستروک، از فعالین مرشاهن برابری طلب و مدافع حقوق کودکان و زنان. عضو حزب چپ سوئد و از نمایندگان این حزب در شورای شهر استکهلم. عنوان سخنرانی: "کودکان، حجاب و مدارس مذهبی"

هلسا ایوان برات، جانشین دبیر سازمان اومانیتهای سوئد و از فعالین "تیکه دگرسی برای عراق". عنوان سخنرانی: "آموزشهای برابری از زاویه ای اومانیستی"

گون زکوی، نویسنده و منکر با سابقه سوئدی در رابطه با کودکان در مطبوعات اینترنتی است. "انجیل و کودکان"

سون پتر، از طرف دفتر مرکزی نجات کودک

از پروژه "میلوف سازمان نجات کودک"

عنوان سخنرانی: "ایران آزاد، دختران بگردد"

نماینده استاندارد استکهلم

سوا مندا، فعال حقوق زنان و کودکان، بینگذار سازمان "ایلا و فلفه" را فرابودن تکند. عنوان سخنرانی: "آموزش یکسان برای همه کودکان"

کیتیکرگز لگتده

توآشپلی، سلیمان قاسمی، لادنوبین، جواد فاضلی،
اول کودکان، کمیسر بین المللی دفاع از حقوق کودکان



سایت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست www.hekmatist.com

سایت کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران _ حکمتیست:
www.oktoobr.com

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست

دبیر کمیته: حسین مرادبیگی
h_moradbeigi@yahoo.com
Tel: 00447960233954

اکتبر

سر دبیر: عبدالله شریفی

abe_sharifi@yahoo.com
TEL 0046736975226

دستیار سر دبیر: اسماعیل ویسی